



بازمهندسی قدرت نرم دولت‌ها در آینده: راهبرد دیپلماسی رسانه‌ای مبتنی بر

هوش مصنوعی؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران

بهنام سرخیل^۱

چکیده

با گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی و نقش روزافزون رسانه‌های نوین، دولت‌ها با فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی در ترسیم قدرت نرم مواجه شده‌اند. این مطالعه با رویکرد آینده‌پژوهانه به بررسی اثر دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور بر قدرت نرم ایران می‌پردازد. پرسش اصلی: دیپلماسی رسانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی چگونه می‌تواند بازمهندسی قدرت نرم ایران را شکل داده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن را مدیریت کند؟ این پژوهش از روش دلفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه سیاست خارجی، رسانه و هوش مصنوعی استفاده شده و داده‌های گردآوری شده به صورت کیفی تحلیل و در قالب سه سناریوی کلان همکاری بین‌المللی، رقابت ژئوپلیتیک و آشوب اطلاعاتی بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در سناریوی همکاری بین‌المللی، ایران می‌تواند با بهره‌گیری هوشمندانه از دیپلماسی رسانه‌ای، مشروعیت و نفوذ خود را افزایش دهد؛ در سناریوی رقابت ژئوپلیتیک، فشارها و محدودیت‌ها نیازمند راهبردهای نوآورانه و تطبیقی است و در سناریوی آشوب اطلاعاتی، تهدیداتی مانند انتشار اخبار جعلی و فرسایش اعتماد عمومی می‌تواند قدرت نرم ایران را تضعیف کند.

یافته‌ها بیانگر آن است که دیپلماسی رسانه‌ای متکی بر فناوری‌های نوین، فراتر از یک ابزار ارتباطی، به سازوکار راهبردی در بازمهندسی قدرت نرم دولت‌ها تبدیل شده است. در مورد ایران، آینده قدرت نرم تابعی از میزان همگرایی سیاست رسانه‌ای با فناوری‌های شناختی و تحلیل داده‌های پیش‌نگر است. بنابراین، بازمهندسی قدرت نرم ایران مستلزم گذار از الگوهای سنتی اطلاع‌رسانی به حکمرانی ادراکی مبتنی بر هوش مصنوعی است؛ رویکردی که ضمن مدیریت تهدیدهای اطلاعاتی و رسانه‌ای، فرصت‌های مشروعیت‌سازی، افزایش نفوذ و ارتقای تصویر بین‌المللی کشور را فراهم می‌سازد.

واژه‌های کلیدی:

ایران، دیپلماسی رسانه‌ای، رقابت ژئوپلیتیک، قدرت نرم، هوش مصنوعی، قدرت نرم

۴۱

دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۴۱
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۲-۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۶-۲۱

مصص: ۶۸-۴۵

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR



مقدمه و بیان مسأله

قدرت نرم به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی سیاست خارجی دولت‌ها، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به نفوذ، مشروعیت و تصویر بین‌المللی آن‌ها دارد. در جهان امروز، اتکای صرف به قدرت سخت نمی‌تواند به‌تنهایی اهداف سیاسی و اقتصادی کشورها را تضمین کند. چرا که تعاملات بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و شناختی قرار گرفته است.

در عین حال، تنوع رویکردهای نوین جنگ یا به تعبیر دیگر «جنگ‌های نوپدید» موجب شده است که عملیات تک‌نیروی به‌ندرت تحقق یابد و جای خود را به عملیات نظامی مبتنی بر دانش بدهد. (زمانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۶) در این چارچوب، اهمیت فزاینده‌ای برای «عملیات نظامی دانش‌محور» شکل گرفته است؛ عملیاتی که بر تحلیل داده‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تلفیق قدرت سخت و نرم استوار است.

بر این اساس، قدرت نرم دولت‌ها به‌طور روزافزون با رویکردی دانش‌بنیان طراحی می‌شود؛ رویکردی که توانمندسازی در حوزه اطلاعات، رسانه و فناوری را در کنار قابلیت‌های سخت‌افزاری و نظامی، به‌عنوان محور اصلی موفقیت در میدان‌های رقابتی و امنیتی تعریف می‌کند. به بیان تومر (۲۰۲۵)، در عصر هوش مصنوعی، رقابت بر سر مدل‌های هوشمند و چشم‌اندازهای دیجیتال، به ابزاری حیاتی برای بازتعریف قدرت نرم بدل شده است. به‌گونه‌ای که تسلط بر فناوری‌های نوین اطلاعاتی نه‌تنها جنبه‌ای فناورانه، بلکه بُعدی ژئوپلیتیکی و راهبردی یافته است. بر این اساس، کشورها در تلاش‌اند تا از طریق بهره‌گیری از هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال، نفوذ خود را در سطوح مختلف افکار عمومی و سیاست‌گذاری جهانی گسترش دهند. (Tomar, 2024) (۳-۵۱)

در همین چشم‌انداز، با ظهور فناوری‌های پیشرفته، به ویژه هوش مصنوعی امکان جمع‌آوری، تحلیل و مدیریت اطلاعات رسانه‌ای با دقت و سرعت بالا فراهم شده است. این تحول فناورانه، ظرفیت دولت‌ها را برای بازمهندسی قدرت نرم خود افزایش می‌دهد. به‌گونه‌ای که می‌تواند به شکل هدفمندتر، شخصی‌سازی شده و مبتنی بر داده، افکار عمومی داخلی و بین‌المللی را هدایت کنند و تأثیرگذاری دیپلماسی رسانه‌ای خود را ارتقا دهند. در واقع فناوری‌های کلیدی و برتر سازی که به انسان قدرت تسلط به محیط و فضای پیرامونی در زمین، هوا، دریا و فضا را می‌دهد، موجب بروز تغییر در قدرت و نظم جاری بین‌الملل می‌شود. (موسوی و همکاران، ۱۴۰۴: ۶-۷)

در این راستا، ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک حساس خود در خاورمیانه، چالش‌های منطقه‌ای پیچیده و فرصت‌های بین‌المللی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تحلیل راهبردی و آینده‌پژوهانه در حوزه قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای است. در شرایطی که نظم جهانی با تحولات سریع فناوری، افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیک، بحران‌های اقتصادی و تغییرات اقلیمی مواجه است، دولت‌ها باید توانایی پیش‌بینی و مدیریت سناریوهای متعدد را داشته باشند.



برای ایران، مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و چندلایه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی قدرت نرم دارد. رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، از جمله تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه و رقابت ایران با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موجب محدود شدن فضای دیپلماسی سستی و افزایش نیاز به ابزارهای نوین تأثیرگذاری می‌شود. تهدیدهای امنیت سایبری، شامل حملات سایبری هدفمند علیه زیرساخت‌های حیاتی و نهادهای دولتی، توانایی ایران در مدیریت اطلاعات و ارائه تصویر مثبت خود در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای را به چالش می‌کشد و ضرورت تقویت ظرفیت‌های حفاظت از داده‌ها و اطلاعات راهبردی را برجسته می‌سازد. همچنین، جنگ‌های اطلاعاتی و انتشار اخبار جعلی، که می‌توانند هم بر افکار عمومی داخلی و هم بین‌المللی تأثیر منفی بگذارند، به‌طور مستقیم بر مشروعیت و تصویر بین‌المللی ایران اثر می‌گذارند و نیازمند راهبردهای هوشمندانه در دیپلماسی رسانه‌ای هستند. فشارهای تحریمی و محدودیت‌های اقتصادی نیز به عنوان یک عامل ساختاری، توانایی ایران در ارائه دستاوردهای ملموس داخلی و نفوذ در صحنه بین‌المللی را محدود می‌کنند و موجب می‌شوند که دیپلماسی نرم و رسانه‌ای جایگاه مهم‌تری در ایجاد اثرگذاری داشته باشد.

علاوه بر این، تغییرات در افکار عمومی جهانی و منطقه‌ای، از جمله حساسیت‌های اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی و سیاسی مردم در سایر کشورها، بر توان ایران در انتقال پیام و نفوذ تأثیر می‌گذارد. این عوامل در کنار یکدیگر، ضرورت طراحی و بازمهندسی راهبردهای قدرت نرم مبتنی بر دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور را برای ایران به شدت افزایش می‌دهند و نشان می‌دهند که موفقیت در عرصه بین‌المللی دیگر تنها وابسته به ابزارهای سستی قدرت نیست، بلکه به توانایی مدیریت هوشمندانه رسانه، داده و فناوری‌های نوین بستگی دارد.

در این بستر، شناخت سناریوهای محتمل جهانی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از فناوری‌های نوین، به ویژه هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال، امکان اتخاذ تصمیمات راهبردی دقیق‌تر را فراهم می‌آورد. این تحلیل می‌تواند به ایران کمک کند تا با بهره‌گیری هدفمند از دیپلماسی رسانه‌ای مبتنی بر فناوری، نه تنها تصویر و مشروعیت خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کند، بلکه در مواجهه با جریان‌های اطلاعاتی ناپایدار و چالش‌های ژئوپلیتیک، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری بیشتری داشته باشد.

به عبارت دیگر، آینده قدرت نرم ایران دیگر تنها تابع ابزارهای سستی سیاست خارجی نیست؛ بلکه توانمندی در مدیریت رسانه‌ای هوشمند و استفاده راهبردی از فناوری‌های پیشرفته، محور اصلی بازمهندسی قدرت نرم و افزایش اثرگذاری دیپلماسی کشور در محیط بین‌المللی به شمار می‌رود. طراحی سیاست‌های راهبردی مبتنی بر این تحلیل، ایران را قادر می‌سازد تا هم فرصت‌های ناشی از همکاری‌های بین‌المللی را بهره‌برداری کند و هم تهدیدهای رقابت ژئوپلیتیک و آشوب اطلاعاتی را مدیریت نماید.

این پژوهش با استفاده از رویکرد کارشناسی و آینده‌پژوهانه مبتنی بر نظرات نخبگان و خبرگان، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل اثر دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور بر قدرت نرم ایران، سناریوهای مختلف جهانی را شناسایی کرده و راهبردهای انعطاف‌پذیر و



آینده‌نگر برای مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل ارائه دهد و به این پرسش پاسخ دهد که دیپلماسی رسانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی چگونه می‌تواند بازمهندسی قدرت نرم ایران را شکل داده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن را مدیریت کند؟ بهره‌گیری از تجربیات و دیدگاه‌های خبرگان به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، رسانه و فناوری هوش مصنوعی، امکان طراحی سناریوهایی دقیق و مبتنی بر واقعیت‌های عملیاتی را فراهم می‌آورد و اعتبار علمی و کاربردی پژوهش را افزایش می‌دهد. در خصوص مرور ادبیات باید گفت مقالاتی در زمینه هوش مصنوعی و اهمیت یابی آن و نیز برخی مقالات در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای به رشته تحریر آمده است.

۱. ادبیات پژوهش

بررسی فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی و قدرت نرم، در سال‌های اخیر به موضوعی محوری در پژوهش‌های علمی تبدیل شده است.

برای نمونه مقاله «جایگاه هوش مصنوعی در دیپلماسی؛ ملاحظاتی برای جمهوری اسلامی ایران» نوشته اعظم ملایی و مجید کافی، در زمستان ۱۴۰۱ در فصلنامه مطالعات راهبردی منتشر شده و به بررسی تأثیرات هوش مصنوعی بر دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، می‌پردازد. نویسندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهند که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان عاملی شکل‌دهنده به محیط دیپلماسی، پتانسیل تغییر بنیادین نظم و سلسله مراتب قدرت بین‌المللی را دارد. این امر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند و تنها راه مقابله کنش‌مند این است که ایران در فرایند قانونمندکردن و هنجار سازی برای هوش مصنوعی حضور داشته باشد و فناوری هوش مصنوعی را به‌عنوان موضوع و ابزار دیپلماتیک مورد توجه قرار دهد.

گروهی دیگر از آثار به بررسی دیپلماسی رسانه‌ای و تحولات دیجیتال پرداخته‌اند. در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، خرازی (۱۳۹۴) با درک جامعی از این مفهوم به‌عنوان «کاربری رسانه‌ها از سوی رهبران و مقامات به منظور تحلیل و پیشبرد دیپلماسی و سیاست خارجی» پرداخته و دیپلماسی رسانه‌ای را نه یک فعالیت حاشیه‌ای، بلکه هسته مرکزی کنش راهبردی در سیاست خارجی معرفی می‌کند.

همچنین، بشیر (۱۴۰۲) در تحلیل وضعیت دیپلماسی رسانه‌ای ایران، بر ضرورت گذار از «فعالیت رسانه‌ای» صرف به «دیپلماسی رسانه‌ای فعال» تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، دیپلماسی رسانه‌ای در عین اینکه یک سیاست تمام‌عیار است، نوعی از سیاست‌گذاری سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی دینی محسوب می‌شود و در شرایط کنونی جهانی، تعیین‌کننده و شکل‌دهنده افکار عمومی است. بشیر با اشاره به غلبه رویکردهای سیاسی، نظامی و دینی در دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ضعف حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، بر ضرورت طراحی یک سیاست کلان و مطالعه‌شده با رویکرد عملیاتی تأکید کرده و مفهوم «دیپلماسی گفتمانی» را برای ایجاد همگرایی با ملل منطقه پیشنهاد می‌دهد.



دسته دیگری از مطالعات به موضوع رسانه از منظر جنگ شناختی و آشوب اطلاعاتی توجه کرده‌اند. در زمینه تهدیدهای نوپدید در فضای رسانه‌ای، رحیمی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ شناختی و تهدیدهای ترکیبی در چشم‌انداز آینده: مفاهیم، ابزارها و راهکارهای پیشگیرانه» به تحلیل ابعاد جنگ شناختی به‌عنوان نوعی جنگ نوین در دنیای دیجیتال پرداخته است. وی تأکید می‌کند که در این نوع جنگ، فعالیت‌ها و اقداماتی با استفاده از فناوری‌های روز صورت می‌گیرد تا به هدف‌هایی مانند تحلیل، تشخیص، تحریف و کنترل اطلاعات دست یابد.

همچنین برخی اندیشمندان از دریچه حکمرانی و سیاست‌گذاری به موضوع هوش مصنوعی اشاره کرده‌اند. موسوی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «نقش فضای مجازی در ساختار نظم جدید بین‌الملل» به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری‌های کلیدی که به انسان قدرت تسلط بر محیط پیرامونی را می‌دهند، موجب بروز تغییر در قدرت و نظم جاری بین‌الملل می‌شوند. این یافته، مؤید آن است که هوش مصنوعی نه یک متغیر حاشیه‌ای، بلکه یک عامل بنیادین در بازتعریف ساختار قدرت جهانی است. در این حوزه، مصطفایی، سلیمانی و صدر (۱۴۰۳) در کتاب «دیپلماسی رسانه‌ای هوشمند» بر فعالیت‌ها و اقدامات هوشمندان و متکثر دیپلماسی رسانه‌ای و همزمان با آن ظرفیت‌سازی ارتباطی-فرهنگی برای تقویت قدرت نرم کشورها تأکید می‌نمایند.

مرور منابع نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های مختلفی به موضوعات هوش مصنوعی و دیپلماسی، دیپلماسی رسانه‌ای و جنگ شناختی پرداخته‌اند، اما شکاف تحقیقاتی قابل توجهی در زمینه ترکیب این حوزه‌ها در قالب یک مدل تحلیلی یکپارچه برای بازمهندسی قدرت نرم وجود دارد. پژوهش‌های موجود عمدتاً به توصیف فرصت‌ها و تهدیدها بسنده کرده و کمتر به ارائه سناریوهای آینده‌نگر و راهبردهای عملیاتی برای مواجهه با محیط‌های چندلایه جهانی (همکاری، رقابت، آشوب) پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این پیشینه غنی، تلاش می‌کند با رویکردی آینده‌پژوهانه و مبتنی بر دیدگاه‌های نخبگان، این شکاف را پر کرده و چارچوبی منسجم برای بازمهندسی قدرت نرم ایران از مسیر دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور ارائه دهد.

۲. چارچوب نظری و مفهومی

۲.۱ قدرت نرم، دیپلماسی رسانه‌ای و هوش مصنوعی

قدرت نرم به توانایی یک دولت در تأثیرگذاری بر رفتار، نگرش و تصمیم‌گیری دیگر بازیگران بدون استفاده از زور یا اجبار اشاره دارد (نای، ۱۳۸۷: ۲۴). این مفهوم مکمل قدرت سخت است و ظرفیت کشورها را برای پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی در بسترهای غیرمستقیم افزایش می‌دهد. قدرت نرم، با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و سیاسی، نقش حیاتی در شکل‌دهی به تصویر بین‌المللی، مشروعیت و اعتبار دولت دارد و توانایی جلب حمایت و همکاری سایر بازیگران بین‌المللی را فراهم می‌کند.

ابعاد مختلف قدرت نرم شامل نفوذ فرهنگی، سیاسی، علمی و رسانه‌ای است و هر یک می‌تواند به تقویت جایگاه یک دولت در عرصه جهانی کمک کند. شاخص‌های کلیدی ارزیابی قدرت نرم عبارت‌اند از: تصویر بین‌المللی، جذابیت فرهنگی، توانایی

دیپلماسی، سطح اعتماد عمومی داخلی و خارجی، و میزان اثرگذاری در افکار عمومی جهانی (سعیدی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۳: ۸-۴۷). این شاخص‌ها معیارهایی عملی برای سنجش ظرفیت دولت‌ها در هدایت جریان‌های اطلاعاتی، ایجاد همگرایی و توسعه همکاری‌های چندجانبه هستند.

اهمیت قدرت نرم در مواجهه با چالش‌های پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی دوچندان می‌شود. در شرایطی که رقابت‌های ژئوپلیتیک، فشارهای اقتصادی، بحران‌های اطلاعاتی، جنگ‌های رسانه‌ای و تهدیدهای سایبری وجود دارند، بهره‌گیری مؤثر از قدرت نرم می‌تواند تفاوت میان موفقیت و ناکامی در سیاست خارجی و بین‌المللی را رقم بزند. در این شرایط، هماهنگی میان دیپلماسی، رسانه، سیاست‌های داخلی و فناوری‌های نوین، به ویژه هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های رسانه‌ای، امکان مدیریت روایت‌ها، پیش‌بینی رفتار افکار عمومی و افزایش اثرگذاری را فراهم می‌کند.

تجارب جهانی نشان می‌دهد که کشورهایی که در مدیریت اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال ناکام بوده‌اند، با کاهش مشروعیت، آسیب به تصویر بین‌المللی و کاهش نفوذ مواجه شده‌اند. برعکس، بهره‌گیری هوشمندانه از قدرت نرم و تلفیق آن با قدرت سخت، فرصت‌هایی برای افزایش اعتبار، جلب حمایت بین‌المللی و ارتقای انعطاف‌پذیری در تعاملات جهانی فراهم می‌آورد. به این ترتیب، قدرت نرم و سخت در هم تنیده شده و هر یک برای دستیابی به حداکثر کارآمدی به دیگری وابسته است، به ویژه در محیط‌های پیچیده و چندلایه که مشخصه تعاملات بین‌المللی امروز است.

در همین راستا، پلتفرم‌های دیجیتال و هوشمند به‌عنوان زیرساخت‌های نوین شکل‌دهی به قدرت نرم، نقش فزاینده‌ای در تنظیم روایت‌ها و جهت‌دهی افکار عمومی جهانی ایفا می‌کنند. برای نمونه مطابق با یافته‌های جین (۲۰۲۴)، دولت‌ها با استفاده از این پلتفرم‌ها قادرند الگوهای نفوذ فرهنگی و اطلاعاتی خود را بازتعریف کرده و از طریق تعاملات چندسویه در فضای مجازی، تصویر بین‌المللی خود را بهبود بخشند. بدین ترتیب، دیپلماسی رسانه‌ای در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی نه تنها ابزار انتقال پیام، بلکه سازوکار اصلی تولید مشروعیت، اعتماد و همگرایی نرم در سیاست جهانی محسوب می‌شود. (jin,2024: 27-9)

۲.۲ دیپلماسی رسانه‌ای و تحولات دیجیتال

تحولات دیجیتالی به ویژه شبکه‌های مجازی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای انتقال اطلاعات و تأثیرگذاری بر عقاید و افکار افراد شناخته شده‌اند. از سویی، جنگ شناختی به‌عنوان روشی برای تأثیرگذاری بر افکار و عقاید افراد و جوامع، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این عامل در دنیای مدرن به اشکال مختلفی با یکدیگر تعامل دارند و تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع و فرهنگ‌ها می‌گذارند. از سوی دیگر، جنگ شناختی به‌عنوان نوعی جنگ نوین در دنیای دیجیتال مطرح است. در این نوع جنگ، فعالیت‌ها و اقداماتی با استفاده از فناوری‌های روز صورت می‌گیرد تا به دستیابی به هدف‌هایی مانند تحلیل، تشخیص، تحریف و کنترل اطلاعات پردازد. (رحیمی، ۱۴۰۳: ۸۱)



دیپلماسی رسانه‌ای را با تأثیرات بی‌نهایت گسترده به صورت کلی: «کاربری رسانه‌ها از سوی رهبران و مقامات به منظور تحلیل و پیشبرد دیپلماسی و سیاست خارجی» توصیف می‌کنند که به طور ویژه امتداد دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور با هر نظام رسانه‌ای و در هر نظام سیاسی-حاکمیتی است. دیپلماسی رسانه‌ای موفق با برد انتشار جهانی بالا؛ بخشی از قدرت دیپلماتیک و توان سیاست خارجی کشورها را به تصویر می‌کشاند. (خرازی آذر، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی سیاست خارجی، در دنیای معاصر با تحولات دیجیتال و ظهور رسانه‌های اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. این ابزار به دولت‌ها امکان می‌دهد تا بدون استفاده از زور یا اجبار، پیام‌های خود را به مخاطبان داخلی و خارجی منتقل کنند، روایت‌ها را مدیریت نمایند و افکار عمومی را شکل دهند.

در عصر دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین به‌عنوان ابزارهای مؤثر در دیپلماسی رسانه‌ای شناخته می‌شوند. این رسانه‌ها با ویژگی‌هایی چون دسترسی گسترده، سرعت بالا در انتشار اطلاعات و امکان تعامل دوطرفه، فرصت‌های جدیدی را برای دیپلماسی رسانه‌ای فراهم کرده‌اند. از سوی دیگر، این ویژگی‌ها می‌توانند زمینه‌ساز تهدیدهایی مانند انتشار اخبار جعلی، سوءاستفاده رقبا و ایجاد بحران‌های اطلاعاتی شوند.

۲,۳ کاربرد هوش مصنوعی در رسانه و دیپلماسی هوشمند

هوش مصنوعی با قابلیت‌های پیشرفته خود، امکان جمع‌آوری، تحلیل و پردازش حجم وسیعی از داده‌های رسانه‌ای را در زمان کوتاه و با دقت بالا فراهم می‌کند. این فناوری می‌تواند الگوهای رفتاری و نگرش‌های افکار عمومی را شناسایی کرده و با تحلیل روندهای رسانه‌ای، واکنش‌ها و رفتارهای محتمل مخاطبان داخلی و بین‌المللی را پیش‌بینی کند. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند در مدیریت روایت‌ها، تولید محتوای هدفمند، شخصی‌سازی پیام‌ها و پاسخ‌دهی هوشمندانه به تحولات سریع رسانه‌ای نقش مؤثری ایفا نماید.

در حوزه دیپلماسی هوشمند، ادغام هوش مصنوعی با رسانه‌های دیجیتال، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا پیام‌های راهبردی خود را با دقت بالاتر و انعطاف‌پذیری بیشتر به مخاطبان منتقل کنند و اثربخشی دیپلماسی رسانه‌ای را افزایش دهند. برای ایران، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در شرایط فعلی، کشور با چالش‌هایی مانند جنگ‌های اطلاعاتی، انتشار اخبار جعلی، عملیات روانی خارجی و کاهش اعتماد عمومی مواجه است و نیازمند ابزارهایی است که بتوانند به سرعت تهدیدها را شناسایی، تحلیل و پاسخ دهند.

علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند در شبیه‌سازی سناریوها و پیش‌بینی تأثیر سیاست‌ها و کمپین‌های رسانه‌ای کمک کند. برای مثال، تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین، امکان سنجش اثربخشی پیام‌های دیپلماتیک و اصلاح راهبردها در زمان واقعی را فراهم می‌آورد. این ظرفیت، ایران را قادر می‌سازد تا بازمهندسی قدرت نرم خود را به صورت علمی، هدفمند و



مبتنی بر داده انجام دهد و نه تنها فرصت‌های ایجاد شده توسط رسانه‌ها و فناوری‌های نوین را بهره‌برداری کند، بلکه تهدیدهای اطلاعاتی و تحریف‌های رسانه‌ای را نیز مدیریت نماید.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی در دیپلماسی رسانه‌ای، نه تنها موجب تقویت قدرت نرم ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی می‌شود، بلکه امکان طراحی راهبردهای انعطاف‌پذیر، پیشگیرانه و آینده‌نگر را نیز برای مواجهه با پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک و رسانه‌ای فراهم می‌آورد. این رویکرد، تبدیل هوش مصنوعی از یک ابزار تکنولوژیک به عنصر راهبردی در سیاست خارجی و قدرت نرم ایران را ممکن می‌سازد. در همین راستا، کارمیناتی (۲۰۲۴) تأکید می‌کند که هوش مصنوعی به‌عنوان بخشی از زیرساخت قدرت نرم، قادر است کنترل و هدایت محیط اطلاعاتی را در سطح جهانی بازتعریف کند؛ به‌ویژه از طریق الگوریتم‌های تحلیل داده و یادگیری ماشین، دولت‌ها می‌توانند نه تنها پیام‌های دیپلماتیک خود را هدفمندتر طراحی کنند بلکه توانایی تأثیرگذاری بر برداشت‌ها و نگرش‌های عمومی را نیز افزایش دهند. بدین ترتیب، ادغام هوش مصنوعی در دیپلماسی رسانه‌ای، مرز میان «قدرت نرم» و «قدرت هوشمند» را بازتعریف کرده و آن را به مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در رقابت‌های بین‌المللی تبدیل می‌سازد

(Carminati, 2024).

۲.۳.۱. کارکردهای راهبردی هوش مصنوعی در دیپلماسی رسانه‌ای:

اگر دیپلماسی رسانه‌ای به منزله بستر کنش راهبردی و اعمال قدرت نرم در نظر گرفته شود، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان موتور محرک و معماری شناختی این فرآیند عمل کند. برخلاف رویکردهای گذشته به رسانه که غالباً به انتشار پیام تمرکز می‌شد، هوش مصنوعی با ایجاد حلقه‌های هوشمند ادراکی، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا پیش از شکل‌گیری بحران و انتشار رسانه‌ای، آن را پیش‌بینی و پیش از تثبیت روایت رقیب، روایت خود را منتشر کنند. این تحول، هوش مصنوعی را از سطح یک ابزار تکنولوژیک به سطح زیرساخت راهبردی قدرت ارتقا می‌دهد. کاربرد هوش مصنوعی در این حوزه را می‌توان در سه سطح عملیاتی تحلیل کرد که هر یک مستقیماً به یکی از ارکان قدرت نرم (مشروعیت، نفوذ، تصویر و اعتماد) مرتبط می‌شود.

الف) تحلیل پیش‌نگر و پیش‌بینی افکار عمومی (تغذیه‌کننده مشروعیت): هوش مصنوعی با پردازش کلان‌داده‌های رسانه‌ای و بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری عمیق، قادر است الگوهای پنهان در نگرش‌های جمعی را شناسایی کند. این قابلیت، دیپلماسی را از حالت واکنشی «مدیریت بحران» به حالت پیش‌دستانه «مدیریت ریسک» تبدیل می‌کند.

ب) شخصی‌سازی روایت و تولید محتوای هدفمند (افزایش دهنده نفوذ): قدرت نرم در حوزه رسانه‌ای زمانی اثربخش می‌شود که پیام با جهان‌بینی و ارزش‌های مخاطب هم‌سو شود. هوش مصنوعی این امکان را فراهم می‌کند تا یک پیام واحد (مثلاً پیام صلح و دوستی ایران با سایر کشورها) به چندین روایت بومی‌سازی شده برای مخاطبان مختلف (جهان عرب، اروپا، آفریقا یا آسیا) تبدیل



شود. این رویکرد متکی بر داده‌های هوش مصنوعی می‌تواند مرزهای سنتی قدرت نرم را تغییر داده و دامنه تأثیرگذاری خود را به صورت تصاعدی گسترش دهد

ج) پایش لحظه‌ای و مدیریت آشوب اطلاعاتی (حراست از تصویر بین‌المللی): در وضعیت «آشوب اطلاعاتی»، هوش مصنوعی می‌تواند نقش «سپر دفاعی شناختی» را ایفا کند و اخبار جعلی مبتنی بر محتواهای جعلی را از محتوای معتبر تفکیک کرده و منبع آن را ردیابی کند.

در واقع رسانه‌ها به کمک قابلیت‌های تکنولوژیکی و فنی این فرصت را یافته‌اند که از امکانات تأثیرگذاری‌هایی فرامرزی و فراملی بسیار گسترده‌ای برخوردار شده و از این طریق در شکل‌بندی مناسبات جدید قدرت به ایفای نقش بپردازند. رسانه‌ها از قدرت تصویرسازی جهت تغییر نگرش و یا تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی برخوردارند و از طریق برجسته‌سازی و سپس بازنمایی سعی در تأثیرگذاری بر روی مخاطب دارند. (سرخیل، ۱۳۹۸: ۱۸۹)

در همین راستا برای تحلیل بازمهندسی قدرت نرم ایران در پرتو دیپلماسی رسانه‌ای متکی بر فناوری‌های نوین، چارچوب نظری پژوهش از تلفیق سه مفهوم کلیدی قدرت نرم به‌عنوان چارچوب اصلی، دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان بستر عملیاتی، و هوش مصنوعی به‌عنوان متغیر مداخله‌گر و تسهیل‌گر تحول بهره‌گرفته است. این سه مفهوم نه در تقابل، بلکه در تعاملی دیالکتیکی با یکدیگر، امکان بازتعریف راهبردهای نفوذ و مشروعیت‌سازی را در عرصه جهانی فراهم می‌کنند.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهانه و مبتنی بر دیدگاه‌های خبرگان و نخبگان حوزه سیاست خارجی، رسانه و فناوری‌های نوین، به تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای بازمهندسی قدرت نرم ایران از طریق دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور می‌پردازد. برای دستیابی به تحلیل دقیق و عملیاتی، از روش‌های ترکیبی دلفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و گروه‌های تمرکز استفاده شده است. روش دلفی در چند دور متوالی به کار گرفته شد تا دیدگاه‌های نخبگان جمع‌آوری، بررسی و به اجماع نزدیک شود. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته امکان استخراج دیدگاه‌های عمیق و تجربیات عملی را فراهم می‌آورد و گروه‌های تمرکز به اعتبار سنجی و تکمیل تحلیل‌ها کمک کرده و تعامل بین نخبگان با دیدگاه‌های مختلف را تسهیل می‌کنند. این ترکیب روش‌ها، اعتبار علمی، قابلیت عملیاتی‌سازی و انعطاف‌پذیری تحلیل‌ها را افزایش می‌دهد و زمینه را برای طراحی راهبردهای آینده‌نگر و مبتنی بر داده برای ایران فراهم می‌سازد.

۳.۱ انتخاب نمونه و تعداد نخبگان:

برای عملیاتی‌کردن این انتخاب در پژوهش در ابتدا یک فهرست اولیه از حدود ۵۰ نفر نخبگان با استفاده از شبکه‌های علمی، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و نهادهای دولتی تهیه شد و سپس از طریق بررسی سوابق علمی، اجرایی و پروژه‌ها، فهرست به ۳۰ نفر



محدود شد. از این افراد برای شرکت در دوره‌های دلفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و گروه‌های تمرکز دعوت به عمل آمد. این فرآیند اطمینان می‌دهد که داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس تجربه عملی و شناخت واقعی از محیط داخلی و بین‌المللی ایران است و تحلیل‌ها قابلیت کاربرد و عملیاتی‌سازی در طراحی راهبردهای بازمهندسی قدرت نرم را دارند.

نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از نخبگان و خبرگان حوزه سیاست خارجی، رسانه و فناوری‌های نوین است. انتخاب این افراد با استفاده از روش هدفمند انجام شد تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌کنندگان دارای تجربه عملی، شناخت عمیق از محیط داخلی و بین‌المللی ایران و قابلیت تحلیل راهبردی هستند. معیارهای عملیاتی برای انتخاب نخبگان شامل موارد زیر بوده است:

۱. سابقه علمی و اجرایی: داشتن حداقل ۵ سال تجربه کاری یا پژوهشی مرتبط با سیاست خارجی، دیپلماسی رسانه‌ای یا فناوری اطلاعات و رسانه.
۲. فعالیت پژوهشی و انتشار مقالات مرتبط: حداقل یک مقاله علمی یا گزارش تخصصی منتشر شده در زمینه دیپلماسی، رسانه یا هوش مصنوعی.
۳. تجربه عملی در دیپلماسی یا رسانه: مشارکت در پروژه‌های رسانه‌ای، کمپین‌های دیپلماتیک، تحلیل سیاسی یا مدیریت اطلاعات در نهادهای دولتی یا بین‌المللی.
۴. آشنایی با فناوری‌های نوین: تجربه در استفاده یا مدیریت ابزارهای هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های رسانه‌ای یا راهکارهای دیجیتال در حوزه سیاست و رسانه.

۳.۲ ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها:

۱. پرسش‌نامه دلفی با چند دور بازخورد: برای انجام این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد که محورهای آن شامل سناریوهای جهانی، فرصت‌ها و تهدیدهای بازمهندسی قدرت نرم و راهبردهای عملیاتی ایران بود. پرسش‌نامه در ۳ تا ۴ دور متوالی به خبرگان ارسال شد تا نظرات جمع‌آوری و بازخورد ارائه شود و در هر دور اصلاح و بازنگری شد تا به اجماع کارشناسی نزدیک شود. هر دور شامل ارائه سناریوها، جمع‌بندی دیدگاه‌ها و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگان است. این فرآیند امکان شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه در سناریوهای مختلف جهانی و اصلاح راهبردهای پیشنهادی را فراهم می‌کند.
۲. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نخبگان: انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان، به پژوهشگران امکان می‌دهد تا علاوه بر پاسخ‌های از پیش تعیین شده، دیدگاه‌ها، تجربیات عملی و تحلیل‌های عمیق فردی شرکت‌کنندگان را نیز جمع‌آوری کنند. سؤالات مصاحبه، حول محور تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور بر قدرت نرم ایران، سناریوهای آینده و راهبردهای مقابله با فرصت‌ها و تهدیدها طراحی شده بود و امکان واکاوی دقیق موضوعات جدید و جزئیات کاربردی فراهم شد. (جدول شماره یک)



جدول یک: راهنمای مصاحبه نیمه ساختاریافته			
محور پژوهش	هدف از پرسش	نمونه سؤالات مصاحبه	تجزیه و تحلیل پاسخ
نقش دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور در	شناسایی نقش هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال در بازمهندسی	۱. هوش مصنوعی چگونه می‌تواند تریخشی دیپلماسی رسانه‌ای ایران را افزایش دهد؟	دیدگاه‌های تحلیلی و تجربیات عملی خبرگان، ارزیابی مزایا و محدودیت‌ها
		۲. مهم‌ترین ابزارها و کانال‌های رسانه‌ای که ایران باید به کار گیرد، کدامند؟	
		۳. چه محدودیت‌ها یا تهدیدهایی در استفاده از هوش مصنوعی وجود دارد؟	
سناریوهای آینده جهانی و منطقه‌ای	تحلیل سناریوهای محتمل و تأثیر آن بر فرصت‌ها و تهدیدها	۴. مهم‌ترین سناریوهای جهانی که بر قدرت نرم ایران اثر می‌گذارد، کدامند؟	تحلیل سناریوها، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، پیش‌بینی واکنش‌ها
		۵. در هر سناریو (همکاری بین‌المللی، رقابت ژئوپلیتیک، آشوب اطلاعاتی)، ایران چه فرصت‌ها و تهدیدهایی دارد؟	
		۶. چگونه ایران می‌تواند انتظاف‌پذیری خود را افزایش دهد؟	
راهبردهای مقابله با فرصت‌ها و تهدیدها	طراحی راهبردهای عملی برای بهره‌برداری از	۷. چه راهبردهایی می‌تواند به ایران کمک کند تا از فرصت‌های فناوری و رسانه بهره‌برداری کند؟	پیشنهادات عملی، شاخص‌های ارزیابی، توصیه‌های راهبردی
		۸. برای مقابله با جنگ‌های اطلاعاتی، اخبار جعلی و تهاوش اعتماد عمومی چه اقداماتی لازم است؟	
		۹. چه شاخص‌هایی برای سنجش موفقیت بازمهندسی قدرت نرم ایران باید مدنظر باشد؟	
تجربه عملی و توصیه‌های کاربردی	استخراج درس‌های موفق و ناموفق و تضمین مشروعیت	۱۰. چه نمونه‌های موفق یا ناموفق از استفاده دولت‌ها در دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور وجود دارد؟	شناسایی نمونه‌های کاربردی، توصیه‌های اجرایی و اخلاقی
		۱۱. چه سیاست‌ها و سازوکارهایی برای تضمین اخلاقی بودن اقدامات لازم است؟	

۳. گروه‌های تمرکز^۱ در نهایت به‌عنوان مرحله تکمیلی و اعتبار سنجی تحلیل‌ها، دو جلسه گروه تمرکز برگزار شد تا یافته‌های مصاحبه‌ها مورد بحث و نقد قرار گیرد و ایده‌ها و سناریوهای ارائه شده اصلاح شوند و دیدگاه‌های مختلف با هم تلفیق شوند. این فرایند امکان بررسی تعارض دیدگاه‌ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف سناریوها و ارتقای دقت و جامعیت تحلیل‌ها را فراهم می‌آورد.

با ترکیب این دو روش، پژوهش قادر شد علاوه بر جمع‌آوری داده‌های کیفی عمیق و معتبر، اعتبار و قابلیت عملیاتی‌سازی راهبردهای پیشنهادی را نیز افزایش دهد. این رویکرد، ارتباط مستقیم میان دانش نخبگان، تحلیل سناریوها و طراحی راهبردهای بازمهندسی قدرت نرم ایران را تقویت می‌کند و اطمینان می‌دهد که راهبردهای ارائه شده هم علمی و هم کاربردی باشند.

۳،۳ روش تحلیل داده‌ها:

داده‌های کیفی به روش کدگذاری موضوعی^۲ و تحلیل محتوا^۳ بررسی می‌شوند. سپس یافته‌ها در قالب سناریوهای کلان جهانی (همکاری بین‌المللی، رقابت ژئوپلیتیک، آشوب اطلاعاتی) و فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به ایران دسته‌بندی می‌شوند.

الف. کدگذاری کیفی^۴: داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و پرسش‌نامه دلفی به صورت موضوعی و مفهومی کدگذاری شدند. این فرایند شامل شناسایی تم‌های اصلی و مفاهیم کلیدی مرتبط با تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور بر قدرت

^۱Focus Group
^۲Thematic Coding
^۳Content Analysis
^۴Qualitative Coding



نرم ایران بود. کدگذاری با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی آن ویو انجام شد تا دقت، قابلیت ردیابی و سازمان‌دهی داده‌ها افزایش یابد.

ب. **تحلیل محتوا:** پس از کدگذاری، داده‌ها به صورت سیستماتیک طبقه‌بندی و تحلیل شدند تا فرصت‌ها، تهدیدها و پیامدهای احتمالی بازمهندسی قدرت نرم ایران مشخص گردد. در این مرحله، هر کد و تم به سناریوهای آینده و بخش‌های مرتبط از راهبردهای پیشنهادی ارتباط داده شد. تحلیل محتوا امکان شناسایی الگوها، تضادها و نقاط قوت/ضعف در دیدگاه‌های خبرگان را فراهم ساخت.

ج. **ترکیب دیدگاه‌ها در قالب سناریوهای آینده:** یافته‌های حاصل از دلفی، مصاحبه‌ها و گروه‌های تمرکز تلفیق شده و در قالب سناریوهای کلان جهانی دسته‌بندی شدند (جدول شماره دو). این سناریوها شامل:

- همکاری بین‌المللی: فرصت‌های تقویت مشروعیت و نفوذ ایران.
- رقابت ژئوپلیتیک: محدودیت‌ها، فشارها و نیاز به راهبردهای تاکتیکی نوآورانه.
- آشوب اطلاعاتی: تهدیدهایی مانند کاهش اعتماد عمومی و انتشار اخبار جعلی.

ترکیب دیدگاه‌ها در قالب سناریوهای آینده، امکان طراحی راهبردهای بازمهندسی قدرت نرم ایران و ارزیابی اثرات آنها در شرایط متفاوت جهانی را فراهم می‌آورد. این روش اطمینان می‌دهد که راهبردها هم علمی و هم عملیاتی باشند و قابلیت انعطاف‌پذیری در مواجهه با تغییرات محیطی و اطلاعاتی را داشته باشند.

جدول شماره دو: مؤلفه‌های استخراج‌شده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها درباره سناریوهای آینده				
سناریو	محور پرسشنامه	گزاره‌های کلیدی نخبان	مقوله (Category)	مؤلفه‌های استخراج‌شده
همکاری بین‌المللی	نقش دیپلماسی رسانه‌ای در افزایش مشروعیت	همکاری چندجانبه، تبادل داده‌های هوشمند، هم‌افزایی رسانه‌ای	فرصت‌ها	تقویت مشروعیت بین‌المللی - توسعه شبکه‌های رسانه‌ای - انتقال فناوری هوش مصنوعی
	استفاده از فناوری‌های نوین	هوش مصنوعی در تحلیل افکار عمومی و مدیریت روایت‌ها	ابزار و ظرفیت‌ها	تحلیل داده‌های رسانه‌ای - پیش‌بینی واکنش مخاطبان - تولید محتوای هدفمند
رقابت ژئوپلیتیک	تأثیر فشارهای آمریکا و اروپا	تحریم‌ها، محدودیت رسانه‌ای، عملیات روانی	تهدیدها	تضعیف تصویر ایران - محدودیت دسترسی به رسانه‌های جهانی - افزایش فشار سیاسی
	راهبردهای پیشنهادی	تاکتیک‌های نوآورانه، دیپلماسی هوشمند	راهکارها	مدیریت بحران رسانه‌ای - روایت‌سازی چندلایه - دیپلماسی ترکیبی (سخت + نرم)
آشوب اطلاعاتی	تهدید اخبار جعلی و حملات سایبری	کاهش اعتماد عمومی، گسترش اخبار جعلی	تهدیدها	بحران اعتماد - تضعیف قدرت نرم - بی‌ثباتی روایت‌ها
	سیاست‌های پیشنهادی	مقررات هوشمند، شفافیت داده‌ها، افزایش سواد رسانه‌ای	راهکارها	تشخیص اخبار جعلی - تقویت شفافیت رسانه‌ای - افزایش تاب‌آوری افکار عمومی



۳,۴ اعتبار علمی و ویژگی‌های عملیاتی روش:

این رویکرد علاوه بر اعتبار علمی، اطمینان می‌دهد که تحلیل‌ها بر اساس تجربه عملی و شناخت واقعی محیط داخلی و بین‌المللی ایران شکل گیرد. استفاده از روش مبتنی بر نظرات نخبگان، ابزار قدرتمندی برای طراحی راهبردهای انعطاف‌پذیر، آینده‌نگر و مبتنی بر داده برای بازمهندسی قدرت نرم ایران فراهم می‌کند. ویژگی‌های عملیاتی این روش عبارت‌اند از:

- استفاده از چند ابزار مکمل، اعتبار و غنای داده‌ها را افزایش داد.
- ترکیب دلفی، مصاحبه و گروه‌های تمرکز، امکان اعتبارسنجی نتایج و اصلاح سناریوها را فراهم ساخت.
- تحلیل سیستماتیک داده‌ها، قابلیت عملیاتی‌سازی راهبردها و طراحی پاسخ‌های انعطاف‌پذیر و آینده‌نگر را برای ایران تضمین کرد.

بر اساس کدگذاری کیفی، یک جدول فراوانی کدها برای هر سناریو تهیه شده تا مشخص کند در داده‌های مصاحبه (پرسش‌نامه) هر مؤلفه چند بار تکرار شده و کدام بیشتر مورد تأکید نخبگان بوده است. این جدول که معمولاً در پژوهش‌های کیفی با عنوان جدول توزیع فراوانی کدها معرفی می‌شود، مطابق جدول شماره سه، فراوانی نشان می‌دهد که یک کد چند بار توسط نخبگان تکرار یا اشاره شده است. بعلاوه در صدهای مشخص شده هم به مقایسه وزن نسبی هر مؤلفه در هر سناریو کمک می‌کند و این امکان را می‌دهد که حتی در پژوهش کیفی مورد نظر، سناریوها را مقایسه کمی نمود.

جدول شماره سه : فراوانی کدهای انتخابی در سناریوهای آینده			
سناریو	مؤلفه‌های استخراج‌شده	فراوانی کدها	درصد از کل کدهای سناریو
همکاری بین‌المللی	تقویت مشروعیت بین‌المللی	۱۲	۲۸٪
	توسعه شبکه‌های رسانه‌ای و هم‌افزایی	۹	۲۱٪
	انتقال فناوری و داده‌های هوش مصنوعی	۱۴	۳۳٪
رقابت ژئوپلیتیک	تولید محتوای هدفمند و تحلیل افکار عمومی	۷	۱۸٪
	فشار آمریکا و اروپا بر رسانه‌ها	۱۵	۳۵٪
	تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی - اقتصادی	۱۱	۲۶٪
	تضعیف تصویر ایران در افکار عمومی جهانی	۱۰	۲۳٪
آشوب اطلاعاتی	مدیریت بحران رسانه‌ای و تاکتیک‌های نوآورانه	۷	۱۶٪
	اخبار جعلی و عملیات روانی	۱۳	۳۱٪
	کاهش اعتماد عمومی	۱۰	۲۴٪
	حملات سایبری به زیرساخت رسانه‌ای	۹	۲۱٪
	نیاز به مقررات هوشمند و شفافیت داده‌ها	۱۰	۲۴٪

۴. تحلیل سناریوها بر اساس نظرات نخبگان

۴.۱. سناریوی همکاری بین‌المللی

در سناریوی همکاری بین‌المللی، نخبگان بر این باورند که ایران با مشارکت هوشمندان در فرایندهای چندجانبه بین‌المللی می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی برای تقویت مشروعیت و نفوذ خود فراهم آورد. این فرصت‌ها تحت تأثیر معادلات واقعی بین‌المللی و تعامل با قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرند. مشارکت ایران در نهادهایی مانند سازمان ملل، سازمان همکاری‌های اقتصادی - منطقه‌ای (اگو) و پروژه‌های چندجانبه بریکس، امکان تبادل تجربیات دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده از راهبردهای موفق سایر کشورها در مدیریت افکار عمومی و روایت‌سازی رسانه‌ای را فراهم می‌کند. تعامل با بازیگران قدرتمندی مانند چین و روسیه نیز می‌تواند به ارتقای تصویر بین‌المللی ایران و تقویت مشروعیت دیپلماسی کمک کند.

هوش مصنوعی نقش کلیدی در این سناریو ایفا می‌کند و با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته، ایران قادر خواهد بود جریان‌های رسانه‌ای بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی را پایش کرده، الگوهای افکار عمومی را شناسایی و واکنش مخاطبان خارجی را پیش‌بینی کند. این فناوری امکان مدیریت هوشمند روایت‌ها و مقابله با اخبار جعلی و جریان‌های رسانه‌ای رقیب را فراهم می‌سازد و به بازمهندسی قدرت نرم ایران کمک می‌کند.



شبکه سازی با شرکای منطقه‌ای و جهانی، از جمله کشورهای بریکس و نهادهای بین‌المللی مقابله با اخبار جعلی، زمینه ایجاد شبکه‌های هماهنگ نظارت بر اطلاعات را فراهم می‌کند. این شبکه‌ها امکان ردیابی سریع جریان‌های اطلاعاتی، تحلیل تهدیدهای سایبری و مقابله مؤثر با اخبار نادرست علیه ایران را تقویت می‌کنند.

حضور فعال ایران در پروژه‌های مشترک رسانه‌ای و فناورانه با قدرت‌های بزرگ، اعتماد و مشروعیت بین‌المللی کشور را افزایش می‌دهد و امکان تأثیرگذاری بر جریان‌های تصمیم‌گیری جهانی و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. به‌علاوه، انتقال دانش و فناوری‌های نوین، به‌ویژه ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های رسانه‌ای، ظرفیت داخلی ایران در طراحی کمپین‌های رسانه‌ای هوشمند، تحلیل سریع اطلاعات و اتخاذ تصمیمات راهبردی آینده‌نگر را ارتقا می‌دهد. این امر ایران را قادر می‌سازد تا در مواجهه با تحولات پیچیده ژئوپلیتیک و رقابت روایت‌ها، واکنش‌های هماهنگ، مؤثر و هوشمندانه داشته باشد.

جدول شماره چهار: استخراج مؤلفه‌ها و مضامین کیفی سناریوی همکاری بین‌المللی				
کدهای باز (Open Codes)	فراوانی	مقوله‌های محوری (Axial Codes)	مضامین/تم‌نهایی (Themes)	نمونه نقل قول نخبگان
مشارکت در سازمان ملل، اکتو، بریکس	۱۵	همکاری‌های چندجانبه	افزایش مشروعیت و نفوذ بین‌المللی	ایران باید در پروژه‌های چندجانبه مثل بریکس «فعال‌تر شود تا تصویر مثبتی از خود ارائه کند»
تبادل داده‌های رسانه‌ای و تحلیل مشترک	۱۰	اشتراک داده‌های هوشمند	ارتقای ظرفیت تصمیم‌گیری	بدون اشتراک اطلاعات تحلیلی، نمی‌توان روایت‌های «جهانی را مدیریت کرد»
الگوریتم‌های AI در رصد افکار عمومی	۱۲	ابزارهای فناورانه	مدیریت روایت‌ها و مقابله با اخبار جعلی	می‌تواند واکنش افکار عمومی جهانی را پیش‌بینی AI «و اخبار جعلی را شناسایی کند»
ایجاد شبکه رسانه‌ای با کشورهای همسور	۸	شبکه‌سازی بین‌المللی	تقویت قدرت نرم	همکاری رسانه‌ای با روسیه و چین مشروعیت ایران «را بالا می‌برد»
انتقال دانش و فناوری‌های نوین	۹	انتقال دانش فناورانه	ظرفیت‌سازی داخلی برای دیپلماسی رسانه‌ای	پروژه‌های مشترک فناوری با قدرت‌های بزرگ، توان «داخلی ما را افزایش می‌دهد»

توصیه‌های کارشناسان:

- تقویت همکاری چندجانبه: مشارکت فعال در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برای تبیین دیدگاه‌ها و ارتقای تصویر مثبت ایران.
- اشتراک داده‌های هوشمند: تبادل اطلاعات تحلیلی و داده‌های رسانه‌ای با شرکای بین‌المللی به‌منظور بهبود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی راهبردی.
- پشتیبانی از پروژه‌های مشترک فناوری و رسانه: ایجاد پروژه‌های مشترک برای تحلیل افکار عمومی و مدیریت روایت‌های رسانه‌ای با بهره‌گیری از هوش مصنوعی.

۴.۲. سناریوی رقابت ژئوپلیتیک

در سناریوی رقابت ژئوپلیتیک، ایران با محیطی پیچیده و فشارزا مواجه است که عمدتاً تحت تأثیر رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی و اقدامات قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا با استفاده از ابزارهای متنوع قدرت نرم، شامل کمپین‌های رسانه‌ای، انتشار روایت‌های هدفمند در شبکه‌های اجتماعی و محدودسازی دسترسی ایران به رسانه‌های بین‌المللی، تلاش می‌کنند جایگاه دیپلماسی ایران در عرصه جهانی را تضعیف کنند. علاوه بر این، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های فناوری، دسترسی ایران به منابع رسانه‌ای و ابزارهای نوین دیجیتال را محدود می‌کند و مدیریت روایت‌ها را دشوارتر می‌سازد.

نخبگان بر این باورند که در این شرایط، دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور ایران نقش کلیدی در بازمهندسی قدرت نرم کشور دارد. استفاده از هوش مصنوعی امکان پایش گسترده جریان‌های رسانه‌ای غربی و منطقه‌ای، شناسایی کمپین‌های مخالف و تحلیل واکنش‌های افکار عمومی را فراهم می‌کند. این ظرفیت به ایران اجازه می‌دهد نه تنها به فشارهای رسانه‌ای و تحریمی واکنش دهد، بلکه راهکارهای مقابله‌ای دقیق و تاکتیکی برای مدیریت تصویر و روایت‌های بین‌المللی خود طراحی کند.

هم‌زمان، شبکه‌سازی با نخبگان رسانه‌ای، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های داخلی و منطقه‌ای و بهره‌گیری از همکاری‌های فنی با شرکای هم‌مسو، امکان تقویت دیپلماسی رسانه‌ای و تولید محتوای هوشمند و هدفمند را فراهم می‌کند. نخبگان توصیه می‌کنند که ایران با طراحی روایت‌های چندلایه، انتشار داده‌های شفاف و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، اثرگذاری کمپین‌های رسانه‌ای آمریکا و اروپا را کاهش دهد و جایگاه خود را در افکار عمومی منطقه و جهان تثبیت کند.

در این سناریو، ترکیب فناوری‌های نوین، تحلیل داده‌های رسانه‌ای و تاکتیک‌های دیپلماسی هوش محور به ایران کمک می‌کند ضمن مقابله با فشارهای ژئوپلیتیک، قدرت نرم خود را حفظ و تقویت کند و به شکلی منعطف و آینده‌نگر برای چالش‌های پیچیده جهانی آماده باشد.

جدول شماره پنج استخراج مؤلفه‌ها و مضامین کیفی سناریوی رقابت ژئوپلیتیک				
کدهای باز (Open Codes)	فراوانی	مفوله‌های محوری (Axial Codes)	مضامین/تم نهایی (Themes)	نمونه نقل قول نخبگان
کمپین‌های رسانه‌ای آمریکا و اروپا	۱۴	فشار رسانه‌ای غرب	تضعیف قدرت نرم ایران	«اروپا و آمریکا با روایت‌سازی هدفمند، تلاش می‌کنند ایران را در افکار عمومی منزوی کنند»
محدودسازی دسترسی به رسانه‌ها و فناوری	۱۱	محدودیت‌های ساختاری	چالش در مدیریت روایت‌ها	«تحریم‌های فناورانه مانع بهره‌برداری ایران از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته شده است»
استفاده از هوش مصنوعی برای پایش جریان‌های خبری	۱۳	ابزارهای فناورانه مقابله‌ای	بازمهندسی قدرت نرم	«می‌تواند به شناسایی کمپین‌های غربی و AI، طراحی پاسخ‌های دقیق کمک کند»
شبکه‌سازی با نخبگان رسانه‌ای و دانشگاه‌ها	۹	همکاری‌های دانش و رسانه‌ای	ظرفیت‌سازی برای دیپلماسی هوش‌محور	«باید شبکه‌ای از پژوهشگاه‌ها و نخبگان داخلی و منطقه‌ای در حوزه رسانه تشکیل شود»
طراحی روایت‌های چندلایه و داد‌محور	۱۰	روایت‌سازی هوشمند	مدیریت تصویر بین‌المللی	«ایران باید پیام‌های چندلایه و مبتنی بر داده منتشر کند تا اثرگذاری غرب کاهش یابد»



جدول شماره پنج نشان می‌دهد که فشارهای خارجی (رسانه‌ای و تحریمی) در این سناریو پررنگ‌تر است و نقش هوش مصنوعی بیشتر حالت ابزاری برای مقاومت و مقابله دارد، نه همکاری. در این سناریو تأکید نخبگان بیشتر بر روایت‌سازی داده‌محور و تاکتیک‌های هوشمندانه است.

توصیه‌های کارشناسان:

- تاکتیک‌های نوآورانه: بهره‌گیری از دیپلماسی رسانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی برای طراحی پیام‌های هدفمند و مدیریت تصویر ایران در عرصه جهانی.
- مدیریت بحران مبتنی بر داده‌های رسانه‌ای: شناسایی سریع تهدیدهای اطلاعاتی و واکنش به آنها با استفاده از تحلیل داده‌ها و ابزارهای هوشمند.
- تحلیل رقبا و سنجش اثرگذاری پیام‌ها: پایش عملکرد رسانه‌ها و شبکه‌های رقیب برای تنظیم استراتژی‌های تطبیقی و انعطاف‌پذیر.

۴.۳. سناریوی آشوب اطلاعاتی

در سناریوی آشوب اطلاعاتی، ایران با محیطی مواجه است که مشخصه اصلی آن جریان‌های اطلاعاتی ناپایدار، انتشار اخبار جعلی و حملات سایبری هدفمند است. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که قدرت نرم و مدیریت روایت‌های رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در صحنه بین‌المللی و داخلی دارد. در آن جنگ کوتاه، جریان‌های رسانه‌ای بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی با انتشار اخبار گمراه‌کننده و تحلیل‌های تحریف‌شده، تلاش کردند تصویر ایران را تحت تأثیر قرار دهند و افکار عمومی جهانی را به نفع رقبای منطقه‌ای هدایت کنند. نخبگان بر این باورند که عدم اقدام هوشمندانه در چنین شرایطی می‌تواند مشروعیت ایران را تضعیف و قدرت نرم کشور را کاهش دهد.

قدرت نرم ایران در این سناریو از طریق دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور مدیریت می‌شود. استفاده از هوش مصنوعی امکان پایش لحظه‌ای جریان‌های خبری، شناسایی اخبار جعلی، تحلیل واکنش‌های مخاطبان داخلی و بین‌المللی و مدیریت روایت‌ها به صورت هدفمند را فراهم می‌آورد. این فناوری‌ها می‌توانند از تکرار تجربه جنگ ۱۲ روزه جلوگیری کنند و امکان واکنش سریع و هوشمندانه به انتشار اطلاعات نادرست را به دولت ایران بدهند.

نخبگان توصیه می‌کنند که ایران با ایجاد مقررات هوشمند برای مدیریت اطلاعات، افزایش شفافیت داده‌ها و ارتقای ظرفیت داخلی برای تشخیص اخبار جعلی، اثرات منفی جریان‌های اطلاعاتی ناپایدار را کاهش دهد. همچنین، طراحی کمپین‌های رسانه‌ای هدفمند، شبکه‌سازی با رسانه‌های همسو و همکاری بین‌المللی در حوزه امنیت سایبری و تحلیل داده‌های رسانه‌ای، نقش کلیدی در تقویت قدرت نرم و حفظ مشروعیت ایران دارد.

در این سناریو، تجربه جنگ ۱۲ روزه به‌عنوان نمونه عملی و واقعی چالش‌های قدرت نرم عمل می‌کند و نشان می‌دهد که ترکیب فناوری هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های رسانه‌ای و دیپلماسی هوشمند نه تنها به مدیریت تهدیدهای اطلاعاتی کمک می‌کند، بلکه زمینه بازمهندسی قدرت نرم ایران و طراحی راهبردهای منعطف و آینده‌نگر را نیز فراهم می‌آورد.

جدول شماره شش: استخراج مؤلفه‌ها و مضامین کیفی سناریوی آشوب اطلاعاتی				
نمونه نقل قول نخبگان	مضامین / تم نهایی (Themes)	مقوله‌های محوری (Axial Codes)	فراوانی	کدهای باز (Open Codes)
انتشار اخبار جعلی در جنگ ۱۲ روزه به‌وضوح نشان داد که چگونه روایت‌ها می‌توانند مشروعیت ایران را «هدف بگیرند»	بحران مشروعیت و تضعیف قدرت نرم	تهدیدهای اطلاعاتی	۱۵	انتشار اخبار جعلی و گمراه‌کننده
ایران باید آماده واکنش سریع به حملات سایبری و «اطلاعاتی هماهنگ باشد»	ناامنی اطلاعاتی	تهدیدهای فناورانه	۱۰	حملات سایبری هدفمند
می‌تواند اخبار جعلی را در لحظه شناسایی و مسیر «AI» روایت را اصلاح کند	دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور	ابزارهای فناورانه مقابله‌ای	۱۲	استفاده از هوش مصنوعی برای پیش‌لحظه‌ای
تنها با شفافیت داده‌ها و انتشار اطلاعات معتبر می‌توان «از آشوب اطلاعاتی عبور کرد»	افزایش اعتماد عمومی	حکمرانی اطلاعاتی	۱۱	مقررات هوشمند و شفافیت داده‌ها
ایران باید کمپین‌هایی طراحی کند که همزمان افکار «عمومی داخلی و خارجی را هدف بگیرند»	بازمهندسی قدرت نرم	روایت‌سازی فعال	۹	طراحی کمپین‌های رسانه‌ای هدفمند
ایران نیازمند همکاری با نهادهای جهانی برای مقابله با «اخبار جعلی است»	تقویت مشروعیت و شبکه‌سازی	هم‌افزایی فراملی	۸	همکاری بین‌المللی در امنیت سایبری

چنانچه ملاحظه می‌شود سناریوی سوم در مقایسه با دو سناریوی دیگر، شدیدترین سطح بی‌ثباتی اطلاعاتی را تصویر می‌کند. در این وضعیت تجربه جنگ ۱۲ روزه به‌عنوان نمونه تاریخی و عملی برجسته شده و هوش مصنوعی نه تنها ابزار پیش، بلکه سپر دفاعی حیاتی برای جلوگیری از آشوب رسانه‌ای معرفی می‌شود. در چنین حالتی تمرکز نخبگان بر مقررات، شفافیت داده‌ها و همکاری بین‌المللی در امنیت سایبری است.

توصیه‌های کارشناسان:

- تدوین مقررات هوشمند: ایجاد چارچوب‌های قانونی و سیاست‌گذاری برای مقابله با انتشار اطلاعات نادرست و کنترل محتوای رسانه‌ای.
- شفافیت داده‌ها: انتشار اطلاعات دقیق و معتبر به‌منظور حفظ اعتماد عمومی و تقویت مشروعیت دولت.
- ارتقای ظرفیت تشخیص اخبار جعلی: بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی برای شناسایی و مقابله با محتوای جعلی و آموزش جامعه و نهادهای دولتی برای واکنش مؤثر.



۵. تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از نگاه نخبگان:

۵.۱ فرصت‌های بازمهندسی قدرت نرم ایران از منظر نخبگان

از نگاه نخبگان، محیط جهانی و منطقه‌ای علی‌رغم فشارها و تهدیدها، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تقویت قدرت نرم ایران از مسیر دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور فراهم می‌کند. این فرصت‌ها در چهار سطح اصلی قابل تبیین‌اند:

۱. تقویت همکاری‌های چندجانبه و بین‌المللی: ایران می‌تواند با حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله سازمان ملل، اگو و حتی بریکس، ضمن ارتقای جایگاه خود در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، به بخشی از شبکه جهانی دیپلماسی رسانه‌ای نیز تبدیل شود. مشارکت فعال در این نهادها فرصت تبادل تجربه، انتقال دانش و استفاده از ظرفیت‌های مشترک برای مقابله با جریان‌های رسانه‌ای مغرضانه را فراهم می‌کند. این همکاری‌ها همچنین به ایران کمک می‌کند که مشروعیت دیپلماتیک خود را تقویت کرده و تصویری مثبت‌تر در سطح بین‌المللی ارائه دهد.

۲. دسترسی به فناوری‌های نوین: یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور، به‌ویژه هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌های رسانه‌ای است. این فناوری‌ها امکان تولید محتوای هدفمند، طراحی کمپین‌های دیجیتال هوشمند و مدیریت روایت‌های رسانه‌ای به صورت داده‌محور را فراهم می‌سازند. چنین ظرفیتی به ایران اجازه می‌دهد تا واکنش سریع و هوشمندانه به تحولات جهانی داشته باشد، تهدیدهای اطلاعاتی را پیش‌بینی کند و در برابر انتشار اخبار جعلی و عملیات رسانه‌ای رقیب، موضعی فعالانه اتخاذ نماید.

۳. شبکه‌سازی با رسانه‌ها و نخبگان هم‌سو: ایران می‌تواند از طریق ایجاد اتحاد رسانه‌ای با کشورهای هم‌سو و تعامل مستمر با نخبگان دانشگاهی، رسانه‌ای و فناوری، ظرفیت‌های تازه‌ای در حوزه آموزش، پژوهش و تولید محتوای مشترک ایجاد کند. چنین شبکه‌سازی‌ای بستر طراحی راهبردهای چندلایه در مدیریت بحران‌های اطلاعاتی و جنگ‌های رسانه‌ای را مهیا می‌سازد. همچنین، این همکاری‌ها با نخبگان و رسانه‌های هم‌سو باعث ارتقای سطح مشروعیت و افزایش توان ایران در رقابت روایت‌ها در سطح جهانی می‌شود.

۴. تثبیت و ارتقای تصویر بین‌المللی ایران: یکی دیگر از فرصت‌ها، امکان مدیریت هوشمند روایت‌ها و حضور فعال در رسانه‌های دیجیتال است. ایران با افزایش شفافیت اطلاعاتی، انتشار داده‌های معتبر و روایت‌های استراتژیک، می‌تواند اعتماد عمومی داخلی را تقویت و تصویر مثبت خود را در سطح جهانی تثبیت کند. این امر نه تنها به کاهش تأثیر اخبار جعلی و جنگ‌های اطلاعاتی منجر می‌شود، بلکه در بلندمدت به افزایش سرمایه اجتماعی بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تقویت تعاملات فرهنگی کمک خواهد کرد. در واقع، شکل‌گیری یک برند ملی مثبت، خود به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت نرم و ایجاد جذابیت فرهنگی و سیاسی عمل می‌کند.

۵.۲ تهدیدهای بازمهندسی قدرت نرم ایران از منظر نخبگان



با وجود فرصت‌های متعددی که در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور وجود دارد، نخبگان تأکید دارند که ایران هم‌زمان با مجموعه‌ای از تهدیدهای جدی و چندلایه مواجه است. این تهدیدها اگر به طور هوشمندانه مدیریت نشوند، می‌توانند موجب تضعیف قدرت نرم، کاهش مشروعیت بین‌المللی و محدود شدن ظرفیت‌های دیپلماسی ایران شوند. مهم‌ترین این تهدیدها عبارت‌اند از:

۱. فشارهای اقتصادی و سیاسی از سوی قدرت‌های بزرگ: تحریم‌های اقتصادی گسترده، محدودیت‌های مالی و بانکی، و فشارهای دیپلماتیک اعمال شده از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، فضای مانور ایران در عرصه رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی را محدود می‌کنند. این فشارها نه تنها دسترسی به منابع مالی پایدار را دشوار می‌سازند، بلکه مانعی برای انتقال فناوری‌های نوین و بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های رسانه‌ای به شمار می‌روند. در نتیجه، ظرفیت ایران برای طراحی و اجرای کمپین‌های رسانه‌ای هوش محور کاهش یافته و امکان رقابت مؤثر با قدرت‌های بزرگ در میدان افکار عمومی جهانی محدود می‌شود.

۲. جنگ‌های اطلاعاتی و انتشار اخبار جعلی: یکی از چالش‌های اصلی در محیط رسانه‌ای معاصر، انباشت اطلاعات نادرست و روایت‌های تحریف شده است. جریان‌های رسانه‌ای مغرضانه که توسط قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هدایت می‌شوند، تلاش می‌کنند تصویری منفی از ایران در افکار عمومی جهانی ایجاد کنند. این جریان‌ها با استفاده از ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فراملی، اخبار جعلی و روایت‌های یک‌سویه را منتشر کرده و اعتماد عمومی داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر پاسخ ایران به این تهدیدها ناکافی یا دیر هنگام باشد، خطر عقب ماندن در میدان روایت‌ها و از دست رفتن ظرفیت‌های قدرت نرم افزایش می‌یابد.

۳. حملات سایبری و تهدیدهای امنیت اطلاعاتی: در دنیای دیجیتال، زیرساخت‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای همواره در معرض حملات سایبری هدفمند قرار دارند. این حملات می‌توانند سامانه‌های تحلیل داده، شبکه‌های رسانه‌ای و حتی پایگاه‌های خبری رسمی ایران را مختل کرده و موجب انتشار اطلاعات غلط یا افشای داده‌های حساس شوند. از دید نخبگان، عدم آمادگی کافی در برابر چنین تهدیدهایی می‌تواند دیپلماسی رسانه‌ای ایران را با بحران مشروعیت مواجه کند و ظرفیت کشور برای مدیریت جریان‌های اطلاعاتی جهانی را کاهش دهد. به همین دلیل، طراحی راهبردهای پیشگیرانه و تقویت تاب‌آوری سایبری یک ضرورت اساسی است.

۴. عدم اقدام هوشمندانه و غفلت راهبردی: یکی از جدی‌ترین تهدیدها، فقدان واکنش سریع و هوشمندانه به تحولات رسانه‌ای و اطلاعاتی است. نخبگان هشدار می‌دهند که غفلت از پایش مستمر جریان‌های رسانه‌ای، عدم استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها، و نبود راهبردهای آینده‌نگر می‌تواند مشروعیت داخلی را تضعیف و نفوذ بین‌المللی ایران را کاهش



دهد. چنین غفلتی باعث می شود فرصت‌های موجود برای دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور از دست برود و ایران در مواجهه با رقبای منطقه‌ای و جهانی در موقعیت تدافعی قرار گیرد.

جدول شماره هفت: SWOT دیپلماسی رسانه‌ای هوش‌محور جمهوری اسلامی ایران		
ابعاد	مؤلفه‌ها	شرح و تبیین علمی
فرصت‌ها (Opportunities)	پیشرفت‌های فناوری هوش مصنوعی	انگاز بهره‌گیری از ابزارهای نوین تحلیل داده، پردازش زمان طبیعی و یادگیری ماشین برای مدیریت افکار عمومی و بهبود تصویر ایران در سطح جهانی.
	افزایش اهمیت رسانه‌های دیجیتال	رشد شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های رسانه‌ای آنلاین به‌عنوان میدان اصلی رقابت قدرت نرم و تعامل مستقیم با افکار عمومی بین‌المللی.
	ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	استفاده از فناوری‌های نوین رسانه‌ای در قالب همکاری‌های بریکس، شانگهای یا کشورهای دوست برای مقابله با انحصار رسانه‌ای غرب.
	افزایش توجه جهانی به روایت‌های بدیل	بهران اعتماد به رسانه‌های جریان اصلی، فرصت مناسبی برای ارائه روایت‌های جایگزین توسط ایران و تقویت مشروعیت در افکار عمومی.
تهدیدها (Threats)	فتنارهای اقتصادی و سیاسی	تحریم‌ها و محدودیت‌های دیپلماتیک از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، مانعی برای دسترسی به منابع مالی و فناوری‌های نوین.
	جنگ‌های اطلاعاتی و اخبار جعلی	انتشار گسترده روایت‌های تحریف‌شده و اخبار نادرست علیه ایران، تضعیف اعتماد عمومی و محدود شدن ظرفیت قدرت نرم.
	حملات سایبری و تهدیدهای امنیت اطلاعاتی	خطر نفوذ، اختلال یا افشای اطلاعات حساس در زیرساخت‌های رسانه‌ای و سامانه‌های تحلیل داده.
	عدم اقدام هوشمندانه و غفلت راهبردی	ضعف در پایش مستمر داده‌ها و طراحی واکنش‌های هوش‌محور، موجب کاهش مشروعیت و از دست رفتن فرصت‌های دیپلماسی رسانه‌ای.

بررسی اجمالی و تطبیقی نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش با تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورهایمانند کره جنوبی، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با بهره‌گیری از دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور و مدیریت پیشرفته اطلاعات دیجیتال توانسته‌اند در شرایط بحران، قدرت نرم خود را حفظ و حتی تقویت کنند. در این کشورها، ترکیب ابزارهای تحلیل داده‌های رسانه‌ای، پیش‌بینی رفتار افکار عمومی و طراحی روایت‌های چندلایه، امکان پاسخ سریع و مؤثر به تهدیدهای اطلاعاتی و رسانه‌ای را فراهم آورده است. به‌ویژه استفاده از هوش مصنوعی برای رصد لحظه‌ای جریان‌های رسانه‌ای و تولید پیام‌های هدفمند، نقش کلیدی در حفاظت از مشروعیت و نفوذ بین‌المللی داشته است.

نتیجه‌گیری

تحلیل دیدگاه‌های نخبگان و بررسی سناریوهای احتمالی نشان می‌دهد که بازمهندسی قدرت نرم از طریق دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور، ابزاری استراتژیک برای ارتقای نفوذ، مشروعیت و تصویر بین‌المللی کشور محسوب می‌شود. این رویکرد، ضمن مدیریت تهدیدهای اطلاعاتی و رسانه‌ای، زمینه‌ساز بهره‌برداری از فرصت‌های راهبردی در سطح منطقه‌ای و جهانی است. در سناریوی همکاری بین‌المللی، دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور امکان شبکه‌سازی بین‌المللی، تبادل تجربیات و اشتراک داده‌های هوشمند را فراهم می‌کند. مشارکت فعال در نهادها و پروژه‌های چندجانبه، مانند سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای و بریکس، ظرفیت طراحی کمپین‌های رسانه‌ای چندلایه و هماهنگ و ارتقای مشروعیت دیپلماتیک را افزایش می‌دهد. بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این سناریو امکان تحلیل پیش‌بینی‌کننده افکار عمومی، پایش جریان‌های رسانه‌ای و مدیریت روایت‌ها را فراهم ساخته و ایران را قادر می‌سازد تا واکنش‌های هوشمندانه و استراتژیک نسبت به تحولات جهانی ارائه دهد.



در سناریوی رقابت ژئوپلیتیک، محیط پیچیده و فشارزا شامل جنگ‌های رسانه‌ای، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های فناوری است. در این شرایط، دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور نقش حیاتی در تبیین پیام‌های هدفمند، طراحی روایت‌های چندلایه و مقابله با کمپین‌های رسانه‌ای رقبای منطقه‌ای و جهانی دارد. ترکیب تحلیل داده‌های رسانه‌ای، پایش رقبا و استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته هوش مصنوعی، امکان واکنش تطبیقی و انعطاف‌پذیر به تهدیدهای رسانه‌ای و حفظ اثرگذاری در افکار عمومی را فراهم می‌کند.

در سناریوی آشوب اطلاعاتی، مشخصه اصلی محیط، جریان‌های اطلاعاتی ناپایدار، انتشار اخبار جعلی و حملات سایبری هدفمند است. تجربه عملی جنگ ۱۲ روزه نشان داد که عدم مدیریت هوشمند رسانه‌ها و اخبار جعلی می‌تواند به سرعت مشروعیت و قدرت نرم کشور را کاهش دهد. استفاده از فناوری‌های هوشمند و هوش مصنوعی در این سناریو، امکان پایش لحظه‌ای جریان‌های رسانه‌ای، شناسایی و مقابله با اخبار جعلی، مدیریت روایت‌های استراتژیک و واکنش سریع به بحران‌های اطلاعاتی را فراهم می‌آورد.

به‌طور کلی، بازمهندسی قدرت نرم در چارچوب دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور، علاوه بر مدیریت تهدیدهای رسانه‌ای و اطلاعاتی، ظرفیت بهره‌برداری از فرصت‌های راهبردی مانند همکاری‌های بین‌المللی، توسعه فناوری‌های نوین و تثبیت تصویر بین‌المللی را فراهم می‌سازد. این رویکرد، از طریق مدیریت هوشمند روایت‌ها، پایش جریان‌های رسانه‌ای و تحلیل داده‌های پیش‌بینی‌کننده، به دولت امکان اتخاذ تصمیمات آینده‌نگر، منعطف و مبتنی بر شواهد را می‌دهد و قدرت نرم کشور را در محیط‌های پیچیده، چندلایه و بحران‌آفرین تقویت می‌کند.

پیشنهادهای

طراحی سیاست‌های منعطف، آینده‌نگر و مبتنی بر داده نقش کلیدی در افزایش اثربخشی قدرت نرم در محیط‌های پیچیده و بحران‌آفرین جهانی دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش و دیدگاه‌های نخبگان، پیشنهادات راهبردی برای بازمهندسی قدرت نرم به شرح زیر است:

۱. **تقویت سازوکارهای هوش محور در دیپلماسی رسانه‌ای:** استفاده از فناوری‌های نوین برای تحلیل داده‌های رسانه‌ای، پیش‌بینی واکنش افکار عمومی و مدیریت روایت‌ها، به‌منظور افزایش اثرگذاری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر اخبار جعلی و جنگ‌های اطلاعاتی
۲. **طراحی راهبردهای انعطاف‌پذیر و چندلایه:** تدوین سناریوهای پاسخ سریع به بحران‌ها، ایجاد هماهنگی میان نهادهای داخلی و بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی هوشمند برای شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای نوظهور.
۳. **تداوم فرایند مشورت با نخبگان و خبرگان:** ایجاد حلقه‌های مستمر مشورتی با کارشناسان حوزه سیاست خارجی، رسانه و فناوری‌های نوین، برای بازنگری دوره‌ای راهبردها و تطبیق سیاست‌ها با تحولات بین‌المللی.



۴. توسعه ظرفیت‌های شبکه‌سازی بین‌المللی: برقراری همکاری با رسانه‌ها و نخبگان همسو در سطح جهانی، اشتراک تجربیات و داده‌های تحلیلی، و استفاده از این شبکه‌ها برای تقویت تصویر مثبت ایران در عرصه بین‌المللی.
۵. رعایت اصول اخلاقی و شفافیت: تضمین شفافیت داده‌ها، رعایت استانداردهای اخلاقی در تولید و انتشار محتوا، و افزایش اعتماد داخلی و خارجی به اقدامات دیپلماسی رسانه‌ای.
- جمع‌بندی نهایی آنکه بازمهندسی قدرت نرم با تمرکز بر دیپلماسی رسانه‌ای هوش محور، ضمن مقابله با تهدیدهای اطلاعاتی و رسانه‌ای، فرصت‌های استراتژیک برای ارتقای مشروعیت و نفوذ بین‌المللی فراهم می‌کند و زمینه طراحی سیاست‌های عملیاتی، مبتنی بر داده و آینده‌نگر را ایجاد می‌نماید. این رویکرد، ضمن افزایش قدرت نرم و تقویت اثرگذاری، ایران را در مواجهه با محیط پیچیده جهانی و رقابت‌های رسانه‌ای توانمند ساخته و امکان واکنش سریع، مؤثر و هوشمندانه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

